

امکان‌پذیری ارزیابی سطح ارتقای دینی در آموزش‌های مجازی

نویسندگان: زهره کشفی^۱، رباب شفارودی (ایران)^۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۸

دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۴

چکیده

سنجش از دیدگاه علوم رسمی نیازمند تعریف مجموعه‌ای ریاضی از معیارها، روش‌هایی برای عددی‌سازی آن‌ها و مقایسه است. از طرف دیگر، فضای مجازی مجموعه‌ای از اطلاعات است که برخلاف عقیده تحمیل شده از غرب، نه آزاد است و نه دسترسی آزاد به آن وجود دارد؛ چرا که اگر از اینترنت تاریک گذشته و بحث را در فضای رسمی آن محدود نمود، دسترسی به اطلاعات آن در کنترل نظام سلطه است. در این میان، روش‌های رسمی که برای اندازه‌گیری سایت‌های دینی استفاده می‌شود، همان‌هایی است که برای سایت‌های دیگر در نظر گرفته شده، مانند شمارش تعداد مراجعه به سایت‌ها، میزان پست‌های ارسال شده، میزان ایمیل‌های رد و بدل شده و میزان کلمات مذهبی جستجو شده که این موارد از دیدگاه علوم رسمی غربی است؛ در حالی که در دین اسلام و منبع اصیل آن- قرآن کریم- مجموعه‌های اندازه‌گیری از نوع دیگری است؛ هم‌چنان که معیارهای رسمی سنجش در فضای مجازی نمی‌تواند درجه ایمان به غیب یک فرد را اندازه بگیرد. بر این اساس- در پژوهش حاضر- تلاش شده روش‌های مرسوم اندازه‌گیری در فضای مجازی تبیین و نشان داده شود که مبانی اعتقادی و دینی با معیارهای مادی، نامعین و غیر قابل اندازه‌گیری است؛ هم‌چنین، روش‌هایی برای تخمین درجه اعتقادی افراد از دیدگاه اسلامی پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: امکان‌پذیری ارزیابی، سنجش، ارتقای دینی، آموزش مجازی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، مدیر دبیرستان فرزنانگان، تهران، ایران، Niaz110@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی، دبیر ریاضی دبیرستان فرزنانگان، تهران، ایران، shafaroudi@live.com

مقدمه

ارزیابی بر اساس اندازه‌گیری است؛ بر این اساس، در ابتدا باید مورد اندازه‌گیری مشخص شود، محدوده‌های تعریف آن مشخص شده و اگر کیفی است، کمی گردد.

قرآن کریم چنین می‌آموزد:

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»؛

(زلزال، ۷-۸) پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند، [نتیجه] آن را خواهد

دید و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند، [نتیجه] آن را خواهد دید.

این آیه چراغ راهی است برای کسانی که در زمینه فناوری سنجش به فعالیت می‌پردازند؛ این جا مسئله سنجش به دو مقوله عمیق - خیر و شر - پرداخته است.

از این آیه چنین به نظر می‌رسد که حتی این مفاهیم نیز قابلیت عددی و کمی شدن را دارد و این کمیت‌ها از نظر ریاضی در مبنای دو یعنی صفر و یک نیست؛ بلکه مقیاس خاکستری^۱ دارد و یک طیف یا دو طیف را در بر می‌گیرد، یعنی ممکن است یک طرف این طیف خیر و طرف دیگر آن شر باشد و یا دو طیف - همزمان - موجود باشد و نتیجه آن‌ها صدور عمل باشد که از دیدگاه این تحقیق، کمی شدن این کیفی‌ها مهم است. آموزش بعدی این است که این کمیت‌ها اندازه‌گیری و مشاهده می‌شود. مشاهده‌پذیری کمیت انتخاب شده از دیدگاه نظریه‌های سنجش و اندازه‌گیری و حتی کنترل اتوماتیک آن شناخته و تعریف شده است که به زیبایی در این آیات به انسان متذکر می‌گردد.

نکته دیگر این‌که - در این دو آیه - به سنجش دو کمیت با هم تأکید شده است؛ به این معنی که به عنوان مثال، اگر قرار است تعداد کار ایجاد شده در دوره‌ای را اندازه گرفت، باید مکمل آن - شغل‌های از دست رفته و بیکاران اضافه شده به جامعه - را نیز سنجید.

سنجش ارتقای دینی

همان‌طور که بیان شد، برای بررسی سنجش ارتقای دینی در یک جامعه از طریق فضای مجازی^۱ لازم است- در ابتدا- موضوع مورد سنجش به صورت دقیق تعریف شده، حدود آن مشخص و مقیاس کیفی برای کمی شدن آن تعیین شود و سپس روشی برای سنجش آن- اگر موجود است- انتخاب و اگر نیست، ابداع گردد تا سنجش انجام شده و این سنجش با ترازو و مقیاسی بررسی شود.

سنجش دین در یک جامعه به صورت کلی و وجوه آن به صورت جزئی همواره مورد بحث بوده و در دوهه اخیر با گسترش اینترنت و فضای مجازی در جوامع، سنجش آن در این فضا از دیدگاه افراد مختلف اهمیت فراوان یافته و روش‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است.

بسیاری از این روش‌ها بر اساس سنجش علوم انسانی استوار گردیده است. برای جمع‌آوری اطلاعات در اینترنت پلتفرم‌های مختلفی ایجاد شده مانند پلتفرم ای.آر.کی^۲ که بوسیله مرکز تحلیل داده‌های کاربردی اینترنتی^۳ ارائه شده است.

(Claffy, 2016)

در این‌گونه پلتفرم‌ها اطلاعات مختلف استفاده‌کننده‌ها را جمع‌آوری نموده و سپس تناظراتی را بین متغیرهای مختلف در آن‌ها برقرار می‌نمایند. به عنوان مثال؛ با استفاده از مجموعه‌ای از کلماتی که در یک مذهب خاص به کار می‌رود و درجه‌بندی جستجوی آن‌ها به وسیله کاربران و فایل‌ها و صفحات دانلود شده حاوی این کلمات و تطابق آن‌ها با آی.پی^۴ استفاده شده که بیانگر گستره جغرافیایی کاربران

1. Cyber Space

2. ARK Platform

3. Center for Applied Internet Data Analysis (CAIDA)

4. IP

استفاده کننده بوده، نقشه‌ای از وضعیت جغرافیایی آن مذهب به دست می‌آوردند؛ البته به شرطی که این آی.پی‌ها درست بوده و کاربر از وی.پی.ان^۱ و فیلترشکن‌ها استفاده نکرده باشد.

با مقایسه تعداد مراجعات در دوره‌های زمانی مختلف می‌توان تخمینی از رشد آن مذهب به عمل آورد؛ ولی آن رشدی نیست که در دین اسلام از رشد مذهبی شناخته می‌شود؛ رشد مذهبی هر فرد امری درونی است، در حالی که روش‌های جمع‌آوری اطلاعات بر اساس برداشت‌های آماری است.

در دهه‌های اخیر محققان به بررسی گروه‌های مذهبی و حضور آن‌ها در اینترنت پرداخته‌اند که در این رابطه اصطلاح مذهب دیجیتالی^۲ مطرح شده است. تأثیر متقابل این دو مقوله در چهار موج یا به تعبیر مقاله در چهار پرده یا مرحله مشاهده شده است: (Ref: Campbell and Vitullo, 2016)

۱. توصیفی؛ بررسی می‌شود که گروه‌های مذهبی چگونه در فضای مجازی توصیف می‌شوند و یا خود را توصیف می‌کنند.

۲. طبقه بندی؛ مشخصات اصلی جامعه مذهبی که بر طبق آن در فضای مجازی عملی می‌نماید، تعیین می‌گردد. در این مرحله، عملکرد اعضای این جامعه در این فضا طبقه‌بندی می‌شود.

۳. مطالعه حضور گروه‌های سنتی مذهبی در فضای مجازی؛ این مطلب آشکار می‌شود که علاوه بر این‌که گروه‌های برخپ^۳ مذهبی حضور خود را پُررنگ‌تر می‌کنند، گروه‌های سنتی نیز وارد فضای مجازی شده و از امکانات آن استفاده می‌نمایند.

1. VPN

2. Digital Religion

3. Online

۴. بررسی تأثیر متقابل گروه‌های سنتی حضور یافته در فضای مجازی با گروه‌های مجازی مذهبی؛ با این دیدگاه، یکی از روش‌های پُرکاربرد در جهت شناسایی و درجه‌بندی ارتقای دینی یک مذهب خاص، بررسی حجم ترافیک اینترنتی مربوط به آن جامعه است؛ البته چنین برآوردی- تنها- از دیدگاه آماری ممکن است صحیح باشد، لذا باید روش‌های تصحیح برای حذف مراجعات اتفاقی افراد و یا دیدگاه‌های کنجکاوانه در نظر گرفته شود.

به طور کلی، برای کمی کردن درجه اهمیت مذهب نزد افراد معیاری به نام مرکزیت مقیاس دینی^۱ مطرح شده است. این معیار بر اساس پنج عامل که بر اساس تفکرات طراحان این معیار وجوه مذهبی را در اشخاص تعیین می‌کند، محاسبه می‌گردد که این پنج وجه به شرح زیر است:

۱. عملکرد اجتماعی؛

۲. عملکرد شخصی؛

۳. عملکردهای مذهبی؛

۴. ایدئولوژی؛

۵. عقلانیت. (Huber and Odilo Huber, 2012)

مقایسه این پنج وجه با مجموعه تعلیمات اسلامی- هم‌چنان که شهید مطهری بیان نموده‌اند- در خور توجه است:

۱. اصول عقاید؛ چیزهایی که وظیفه هر فرد، کوشش و تلاش در تحصیل عقیده درباره آن‌هاست، کاری که در این زمینه بر عهده انسان است از نوع تحقیقی و علمی است.

۲. اخلاقیات؛ خصلتهایی که وظیفه یک فرد مسلمان این است که خویشتن را به آن خصلت‌ها و خوبی‌ها بیاراید و از اضرار آن‌ها خویشتن را دور نگه دارد، وظیفه ای که در این زمینه بر عهده انسان است از نوع مراقبت نفس و خودسازی است.
۳. احکام؛ دستورهایی که مربوط به فعالیت‌های خارجی و عینی انسان است، اعم از فعالیت‌های معاشی و معادی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی. (مطهری، ۱۳۵۸)

بیان این نکته نیز لازم است که این اصول پنج‌گانه با درجاتی در مجموعه تعلیمات اسلام، قابل تطبیق است.

برای سنجش مرکزیت مقیاس دینی، پرسشنامه‌هایی میان افراد توزیع شده و سؤالاتی مانند این که شما خدا را یاد می‌کنید؟ از افراد پرسیده می‌شود؛ سپس با وزن دادن به جواب‌ها، نرّم جامعه و سپس درجه اعتقادی هر فرد محاسبه می‌گردد. در این روش، می‌توان کاستی‌هایی را مشاهده کرد؛ چون وزنی که محاسب در نظر می‌گیرد بر نتیجه نهایی تأثیرگذار خواهد بود.

از طرف دیگر، درجه صحت پاسخ فرد قابل تردید است که اجرای این روش در فضای مجازی به صورت‌های مختلف می‌تواند صورت گیرد. ساده‌ترین راه، پرسش از طریق صفحات وب است که شخص باید پرسشنامه‌ها را تکمیل کند. راه دیگر، شمارش و رهگیری صفحات و مطالبی است که یک شخص خاص در فضای مجازی دنبال می‌نماید. به عنوان مثال؛ چند بار یک شخص مطالب قرآنی را جستجو نموده است و مشابه آن.

در اندازه‌گیری‌هایی که برای درجه اهمیت مذهب نزد افراد انجام می‌گیرد، باید به این امر مهم توجه داشت که فضای مجازی بر روی عملکرد افراد تأثیر می‌گذارد.

برای مثال؛ اگر رسانه‌ها جزئی از این فضا به حساب آورده شوند، نمایش یک برنامه جذاب درباره مذهب می‌تواند سبب ارتقای بینش مذهبی مخاطب گردد که ممکن است این ارتقا، موقتی باشد؛^۱ اما اگر بعد از این نمایش نظرخواهی به عمل آید، نظرسنجی به سوی نوعی ارتقای مذهبی متمایل خواهد شد. نظام سلطه - معمولاً - از این روش برای تحت تأثیر قراردادن سنجش‌ها استفاده می‌نماید.

در یک نظر سنجی که در روسیه به عمل آمده بود، نشان داده شد که یک برنامه رادیویی توانسته بود ۷۹ درصد از زندانیان تحت بررسی را از نظر مذهبی متحول نماید. (Balaklytskyi, 2013)

این مطلب نشان می‌دهد اثر متقابل فضای مجازی بر مخاطب را باید در سنجش‌ها در نظر گرفت.

از طرف دیگر - در دهه قبل - سؤالاتی پایه‌ای در مورد مندرجات در اینترنت مطرح شد که پایه‌ای برای اندازه‌گیری مذاهب گردید؛ این سؤالات به شرح زیر است:

۱. چه چیزی بر روی اینترنت قرار گرفته است، چه کسی آن را قرار داده است

و برای چه مقصودی آن را قرار داده است؟

۲. چند نفر از این منابع استفاده کرده‌اند، به چه تعدادی به آن مراجعه نموده‌اند

و در چه راهی از آن استفاده کرده‌اند؟

۳. چه تأثیرات مذهبی بر روی افراد داشته است؟ (Dawson, 2000)

این سؤال‌ها می‌تواند مبنایی برای ایجاد روش‌های بررسی فعالیت‌های مذهبی قرار گیرد. به طور کلی، فضای مجازی - به عنوان یک اشکال - این شک را به همراه خود دارد که:

- آیا شخص پشت یک سایت اینترنتی همان است که ادعا می‌کند؟

به عنوان مثال؛ از دیدگاه یک نفر مسلمان، واضح است که سایت‌هایی که افراط‌گرایی را به نام اسلام تبلیغ می‌کنند به وسیله نظام سلطه ایجاد شده‌اند؛ اما برای یک غیر مسلمان این واضح نیست، لذا بسیاری جذب این سایت‌ها شده و متعاقب آن به جنایتکاران بین‌المللی مبدل شده‌اند؛ کسانی که حتی بدون آن‌که مبانی حقیقی دین را بدانند، مسلمانان دیگر را تکفیر می‌کنند.

سؤال اول در مجموعه سؤالات طرح شده، بر این مطلب تأکید دارد که برای بررسی سطح دینی یک نفر یا گروهی از نفرات که به سایت خاصی مراجعه می‌کنند، ابتدا باید ریشه آن سایت شناسایی شود.

برای مثال؛ اگر عبارت پوشش اسلامی^۱ در اینترنت جستجو شود، سایت‌های بسیاری معرفی می‌شوند- در جستجوگر گوگل^۲، ۶/۵ میلیون سایت گزارش شد- که بسیاری از این سایت‌ها نیز تجاری بوده و ممکن است شخصی که به دنبال فلسفه پوشش اسلامی است به آن‌ها هدایت شود. بنابراین، مراجعه به این سایت‌ها را نمی‌توان- به طور قطعی- یک فعالیت مذهبی به حساب آورد.

سؤال دوم بر روی کاربر تأکید دارد. اگر قرار باشد بررسی آماری صورت گیرد، شمارش مراجعه کنندگان به سایت‌هایی که وضعیت آن‌ها مطابق سؤال اول مشخص شده، تعداد مراجعه کنندگان را مشخص می‌کند؛ البته در این جا نیز خطایی ممکن است رخ دهد.

به عنوان مثال؛ اگر شخصی چند بار از طریق فیلتر شکن‌ها به سایتی مراجعه کند و یا از آی.پی‌های دینامیک استفاده نماید، چند بار در آمار به عنوان شخص متفاوت وارد خواهد شد. سؤال مشکل در این مرحله این است که- کاربر- از مطلب دریافت شده چه استفاده‌ای کرده است؟

1. Islamic Clothing
2. Google

امکان‌پذیری ارزیابی سطح ارتقای دینی در آموزش‌های مجازی / ۶۳

در مقالات علمی این کار را می‌توان از رهگیری ارجاعاتی که شخصی خاص در مقاله خود داده است، پیگیری کرد؛ اما اگر - مثلاً - یک شخص دعایی را از اینترنت گرفته، نمی‌توان فهمید که این شخص آیا دعا را حفظ کرده یا نه و یا چند بار آن را قرائت نموده است که عدم ناتوانی سنجش ارتقای مذهبی افراد در همین جا است. رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند:

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۲۱۱) همانا اعمال و کارهای انسان به نیت‌ها وابسته است.

بر این اساس، معیار اصلی سنجش اعمال، نیت است؛ بدین معنی که عمل باید هم از نظر بعد فاعلی دارای حسن فاعلی باشد و هم از نظر فعل دارای حسن فعلی باشد و البته حسن فاعلی مهم‌تر است.

از طرف دیگر، سنجش نیت یک فرد در مواجهه حضوری با او ممکن نیست:

- پس چگونه می‌توان نیت فرد را هنگامی که در پس پرده‌های وب پنهان است، فهمید؟

البته همه چیز نزد خداوند آشکار است و این جا مراد، انسان است که از روزنه اینترنت می‌خواهد نیت افراد را آشکار کند.

سؤال سوم نیز بررسی عملکرد نهایی بر روی کاربر است. با جستجوی فعالیت‌های شخص مورد بررسی بعد از مراجعه به صفحات خاص می‌توان تصویری کلی از تأثیر آن در فعالیت‌های مذهبی شخص در فضای مجازی به دست آورد.

برای مثال؛ اگر مراجعه کاربر به صفحات مذهبی بیشتر شد، نتیجه می‌گیرند که تأثیر در افزایش فعالیت مذهبی شخص داشته است. این جا نیز البته شک و تردید - هم‌چنان - وجود دارد؛ چرا که اگر شخص یک عامل اطلاعاتی باشد و بخواهد

خودش را در یک گروه مذهبی خاص وارد کند، سعی می‌کند در فضای اطلاعات نیز خود را فعال در آن صفحات نشان دهد؛ لذا نتیجه‌گیری افزایش فعالیت مذهبی، درست نخواهد بود.

به صورت کلی، بررسی‌هایی که در اینترنت برای درجه‌بندی رفتارهای مذهبی و اعتقادات مذهبی انجام می‌گیرد- تنها- می‌تواند نتایج آماری به دست دهد که صحت آن‌ها نسبی است و نمی‌تواند اصل و اساس پایه‌های مذهبی اشخاص را مشخص کند.

بیان این نکته نیز لازم است که اینترنت در حال حاضر متفاوت با ده سال پیش است؛ چرا که با گسترش گوشی‌های هوشمند و رایانه‌های پُرسرعت، راه‌های بیشتری در مقابل پژوهشگران برای بررسی و اندازه‌گیری رفتار مذهبی و درجه ارتقا در افراد وجود دارد.

به عنوان مثال- معمولاً- می‌توان مکان افراد را به کمک گوشی هوشمند آن‌ها یافت و یا می‌توان چهره آن‌ها را با کمک دوربین روی رایانه و یا گوشی همراه با نرم‌افزار تحلیل کرد که هر دوی این سامانه‌ها می‌تواند از رفتار فرد پرده‌برداری نماید؛ هم‌چنان که تحلیل چهره افراد می‌تواند احساسات آن‌ها را شناسایی نماید. شناسایی احساسات دیداری^۱ نیز تکنیکی برای درک احساسات افراد از روی حالات چهره و بدن است (Dawson, 2000) و یا نظام کدگذاری عمل صورت^۲ که توانایی شناسایی چهره را با ۴۴ حالت دارد و می‌تواند به عنوان مکملی برای تحلیلی وضعیت به کار رود؛ (Pelachaud, 2012) به این صورت که اگر کاربری قرآن را به صورت برخط مطالعه می‌کند، می‌توان با تحلیل چهره او تخمین زد که این قرانت، چه تأثیری بر او داشته است.

-
1. Visual Emotion Recognition (VER)
 2. Facial Action Coding System (FACS)

بنابراین، مسیری مشخص برای درک بهتر از افراد وجود دارد و آن حرکت از شخصیت مجازی به سمت شخصیت واقعی است. هنگامی که یک شخص فقط یک فرم نظرخواهی را تنظیم می‌کند، اطلاعات کمتری از او به دست می‌آید تا زمانی که در یک مصاحبه حضور داشته باشد و یا در یک اردو تحت نظر قرار بگیرد؛ در عین حال، هنگامی که نظارت چندساله نیز وجود داشته باشد، باز هم گوشه‌های پنهانی از شخصیت افراد باقی می‌ماند که حتی همسر و فرزندان او نیز به آن پی نمی‌برند و به طریق بالاتر- در یک فضای مجازی- این پنهان‌سازی گسترده‌تر خواهد بود.

معیار مهمی که قرآن کریم برای سنجش به دست می‌دهد، میزان- جمع موازین- است. میزان در لغت به وسیله سنجش اشیا گفته می‌شود و هر چیزی است که با آن وزن و سنجش انجام می‌شود؛ اعم از این که قول باشد یا فعل یا ترازوی متداول. در قرآن کریم، کلمه میزان ۹ بار و موازین ۷ بار آمده است که کاربرد واژه میزان را در سه مقوله زیر می‌توان جای داد:

۱. وسیله سنجش کالا و مبادلات مالی؛^۱

۲. هماهنگی و نظم در آفرینش؛^۲

۳. تشریح قوانین الهی.^۳

علامه طباطبایی میزان را بر اساس آیه ۱۷ سوره شوری به معنی دین گرفته و معتقد است: مراد از میزان به قرینه ذیل آیه و آیات بعد از آن، دین است که کتاب مشتمل بر آن است؛ از این جهت دین را میزان نامیده‌اند که عقاید و اعمال انسان‌ها

۱. ر. ک: هود، ۸۵.

۲. ر. ک: رحمن، ۷.

۳. ر. ک: حدید، ۲۵.

به وسیله آن سنجیده می‌شود و در نتیجه روز قیامت بر طبق آن سنجش، محاسبه و جزا داده می‌شود؛ پس میزان عبادت است از دین با اصول و فروعش و می‌توان معنای وزن اعمال در قیامت را تطبیق اعمال بر حق دانست. افکار، اقوال و اعمال در طبق سنجش گذاشته می‌شود؛ اما آن‌چه وزن آن‌ها را وزن می‌نماید، نیت است.

بنا بر حدیث «إنما الأعمال بالنیات» که بیان شد و بحث خلوص، آن‌چه پذیرفتنی است اعمال و اقوال و افکاری است که مطابق با حق و با نیت رضای الهی و خلوص باشد؛ حتی اگر عملی آثار دنیایی فراوانی برای دیگران داشته باشد، ولی برای شخص عمل‌کننده اگر ویژگی نیت و خلوص را دارا نباشد، قابل سنجش نیست. با توجه به آیه «وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ»^۱ (مؤمنون، ۱۰۳) به نظر می‌رسد از آنجا که جز عمل صالح و خالص به درگاه الهی راهی ندارد، در نتیجه عدم سنجیت عمل غیر صالح و خالص موجب به حساب نیامدن آن در قیامت می‌شود.

نکته مهم دیگر این‌که در بررسی و سنجش‌ها ذات نامشخص و آمیخته انسان است که به عنوان شاهد مثال در قرآن کریم آمده و به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

- «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»؛ (شمس، ۷-۸)

سوگند به نفس و آن‌که سامانش داد و سپس فجور و تقوا را به او اعلان کرد.

- «وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ»؛ (عصر، ۱-۳) سوگند به

عصر که انسان دستخوش زیان است، مگر کسانی که گرویده و کارهای

شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.

۱. و اما هر که سنجیده‌هایش سبک برآید.

امکان‌پذیری ارزیابی سطح ارتقای دینی در آموزش‌های مجازی / ۶۷

- «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ * وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ * وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ»؛
(عادیات، ۸-۶) همانا انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است
و او خود بر این [امر] نیک گواه است و او سخت شیفته مال است.

- «عَلِمْتُ نَفْسٌ مَّا قَدَّمْتُ وَأَخَّرْتُ * يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»؛
(انفطار، ۶-۵) هر نفسی آن‌چه را پیش فرستاده و بازپس گذاشته بداند،
ای انسان! چه چیز تو را در باره پروردگار بزرگوار مغرور ساخت.

- «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا * إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ (انسان، ۳-۲) ما انسان را از
نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم، بدین جهت او را شنوا و بینا قرار
دادیم. ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس.

نتیجه آن‌که، این آیات مبارکه همه دلیل بر وجود عنصری در انسان است به نام
اختیار که می‌تواند در ناامید کننده‌ترین شرایط، راه توبه و عفو را در پیش گیرد و یا
در بهترین و امیدوار کننده‌ترین حالات، انسان را به حسیض ذلت بکشانند و گوهر
دین را از دست او برباید.

بنابراین، تنها می‌توان آثار و نتایج اعمال و اقوال را در دنیا مشاهده نمود؛ چرا که
سنجش واقعی و نهایی آن‌ها با خدا است؛^۱ پروردگاری که مشاهدات او حکم می‌کند
و تنها شاهد درون انسان‌ها است.

در مجموع و با توجه به توضیحات بیان شده، هیچ روشی در فضای مجازی نمی‌تواند ارتقای دینی یک فرد را- به طور کامل- اندازه بگیرد و تنها قادر به اندازه‌گیری ظواهر دینی افراد خواهد بود.

نتیجه‌گیری

گسترش فضای مجازی واقعی است که فرصت‌ها و تهدیدهایی را مانند هر پدیده دیگر در عالم ایجاد می‌نماید؛ فضایی که حضور مبلغان دینی و گروه‌های مذهبی در آن گسترش فراوان یافته و می‌توان از این محیط و ابزار برای آموزش و ابلاغ دین استفاده کرد.

از طرف دیگر، اندازه‌گیری نفوذ دین در افراد- تنها- در ظواهر امکان‌پذیر است و سنجش واقعی درجه اعتقادات و اعمال تنها با میزان که در قرآن کریم بیان شده، امکان‌پذیر است؛ لذا هیچ وسیله مادی نمی‌تواند ارتقای دینی اشخاص را اندازه بگیرد. پلتفرم‌های موجود و روشهای موجود نیز تنها قادر به برآورد آماری از ظواهر و مراجعات به صفحات و سایت‌های مذهبی هستند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸). انسان و ایمان. تهران: انتشارات صدرا.
5. Balaklytskyi, Maksym (2013). **Ways of Measuring the Influence of Religious Mass Media in the Ukraine**. Occasional Papers on Religion in Eastern Europe. 33(2): 25-51.

6. Claffy, K (2016). **The 7th Workshop on Active Internet Measurements (AIMS7) Report.** SIGCOMM Comput.Communic. Rev. 46(1): 50-57.
7. Campbell, Heidi. and Alessandra Vitullo (2016). **Assessing Changes in the Study of Religious Communities in Digital Religion Studies.** Church, Communication and Culture. 1(1): 73-89.
8. Huber Stefan. and Odilo W. Huber (2012). **The Centrality of Religiosity Scale (CRS).** Religions. 3(3): 710-724.
9. Dawson, Lorne L (2000). **Researching Religion in Cyberspace. Issues and Strategies.** In:Hadden and Cowan: 25-54.
10. Pelachaud, Catherine (2012). **Emotion-Oriented Systems.** John Wiley and Sons. Inc.